



گستره احتکار در منظر فقهای امامیه

یاسر تک فلاح^۱، مجتبی مصلح^۲

۱- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران

چکیده

یکی از روش های کسب در آمد و سود که امروزه رواج بسیاری دارد و اسلام آن را منع نموده احتکار می باشد. احتکار در لغت عبارت است از حبس و نگهداری طعام به امید و انتظار گرانی نرخ. اما در اصطلاح فقهاء این معنا گاهی تعمیم پیدا می کند و گاهی ضیق می شود. با توجه به اینکه احتکار موضوع حکم شرعی قرار گرفته و مشهور فقهاء فی الجمله حکم به حرمت آن داده اند، ضروری است که نظرات فقهای امامیه در خصوص مصادیق احتکار بررسی شود. این مقاله با روش کتابخانه ای به جمع آوری اطلاعات پرداخته و تجزیه و تحلیل داده ها که این پژوهش از آن بهره گرفته است، روش توصیفی - تحلیلی است. با فحص نظرات ایشان در مجموع به پنج قول در خصوص موضوع احتکار دست یافته شد. مشهور امامیه موارد احتکار را پنج طعام می دانند: گندم، جو، خرما، کشمش و روغن از مواردی است که در روایات به آن اشاره شده و فقها بر آن اتفاق دارند. ولی در خصوص الحاق روغن زیتون و نمک به این موارد اختلاف می باشد. برخی دیگر از تعلیل روایت استفاده کرده اند و همه ی مواد غذایی را جزء موارد احتکار می دانند. گروه سوم که اکثر مراجع معاصر این نظر را پذیرفته اند، احتکار را به همه ی نیازهای عمومی جامعه تعمیم داده اند.

واژگان کلیدی: احتکار، مصادیق احتکار، موضوع احتکار، نیازهای عمومی جامعه



مقدمه

با مشاهده وضعیت اقتصادی نامطلوب کشور و تورم کم سابقه، یکی از چالش‌های مهم امروزه، مسئله احتکار است. احتکار در لغت به معنای حبس و نگهداری طعام به امید افزایش قیمت آن می‌باشد. حال با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، عده‌ای سودجو بواسطه احتکار، به دنبال مال اندوزی و کسب ثروت می‌باشند. از آنجایی که مشهور فقهای امامیه حکم به حرمت احتکار داده‌اند، بحث پیرامون نظرات ایشان در خصوص مورد و موضوع احتکار از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌شود.

در این نوشتار با بررسی اقوال فقها به این سؤال پاسخ داده شده که آیا احتکاری که فقها از آن سخن می‌گویند، همان معنای لغوی آن است یا بین معنای لغوی و اصطلاحی و حدود و ثغور آن تفاوت وجود دارد. با فحص در میان سخنان مشهور فقهای امامیه و همچنین بررسی فتاوی مراجع معاصر، سعی شده است که نظرات ایشان به نحو جامع جمع‌آوری شده و به خوانندگان و پژوهشگران ارائه شود.

در این خصوص مقاله‌ای با عنوان «احتکار» توسط آقای سید کاظم حسینی حائری (۱۳۹۰) تألیف شده است. ایشان با بیان روایات به احتمالات موجود در جمع روایات پرداخته است لکن هیچ یک از این احتمالات را بررسی نکرده و نظر حق را اختیار نکرده است. با توجه به وجود فتاوی مختلف فقها، ضرورت دارد که اقوال ایشان جمع‌آوری شود و در اختیار پژوهشگران قرار گیرد تا به طور تفصیلی به نقد و بررسی هر یک از این اقوال پرداخته شود.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱ احتکار در لغت

واژه احتکار از مصدر «حکر» به معنای ظلم، سوء معاشرت (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۲: ۶۵) و عُسر (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۴۱۷: ۱) مشتق گردیده است. ابن اثیر در نهاییه می‌نویسد: «من احتکر طعاماً فهو کذا» منظور کسی است که طعامی را بخرد و آن را نگه دارد تا در بازار کم شود و قیمت آن گران گردد، و «حُکر» و «حُکره» اسم مصدر از احتکار است. «حکر» به معنای جمع کردن و امساک است و «حُکر» آب قلیل جمع شده است و همچنین به طعام و شیر اندک نیز می‌گویند (۱۳۶۷، ۴۱۷: ۱). در صحاح آمده است احتکار جمع نمودن طعام به انتظار گرانی قیمت است (جوهری، ۱۳۷۶، ۲: ۶۳۵). همچنین در لسان العرب آمده است «الحکر» انداختن طعام به انتظار گرانی است و عامل این کار را «مُحتَکِر» می‌نامند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴: ۲۰۸). ابن سیده می‌گوید احتکار جمع کردن و نگه داشتن طعام و مانند آن از مأكولات است به انتظار اینکه وقت گرانی آنها برسد (۱۴۲۱، ۳: ۳۸).



۱-۲ احتکار در اصطلاح

فقه‌های امامیه در تعریف آن اختلاف دارند و هر یک به نحوی عبارت‌پردازی کرده‌اند. شهید ثانی در مسالک (۱۴۱۳، ۳: ۱۹۱) و شیخ انصاری (۱۴۱۱، ۲: ۲۹۴) احتکار طعام را مطرح نموده‌اند و گفته‌اند: «احتکار الطعام هو جمع الطعام و حبسه یتربص به الغلاء» یعنی احتکار طعام جمع آوری و انبار نمودن آذوقه به منظور افزایش قیمت است. شبیه به همین تعریف را نیز شهید اول در دروس (۱۴۱۷، ۳: ۱۸۰) و شهید ثانی در روضه (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۳: ۲۹۸) ارائه کرده‌اند. شیخ طوسی و شیخ مفید نیز معتقداند: احتکار، نگه داشتن آذوقه در زمانی است که مردم به آن محتاجند و در تنگنا قرار دارند (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۶۱۶). لکن شیخ طوسی عبارت «و لا یوجد فی البلد غیره» را نیز به تعریف احتکار اضافه کرده است (۱۴۰۰، ۳۷۴). علامه حلی در تعریف آن قید «اشترای» را به تعریف اضافه می‌کند و می‌فرماید احتکار آن است که اشخاص ثروتمند، طعام را در وقت گرانی بخرند و به دیگر مردم واگذار نکنند و آن طعام را نگه دارند تا در زمان شدت حاجت آن را به قیمت بالاتر بفروشند (۱۴۱۹، ۲: ۵۱۳).

۱-۳ تفاوت میان معنای لغوی و اصطلاحی

با وجود شباهت میان معنای لغوی و اصطلاحی احتکار، دو تفاوت میان این دو معنا وجود دارد.

الف) طبق معنای لغوی، احتکار به ذخیره کردن هر گونه طعام گفته می‌شود؛ در حالی که در اصطلاح فقهی بنا بر قول برخی فقها، رابطه‌ی بین معنای لغوی و اصطلاحی تساوی می‌باشد؛ یعنی در معنای اصطلاحی نیز به ذخیره کردن هر طعامی احتکار می‌گویند. برخی از فقها معنای اصطلاحی احتکار را اخص از معنای لغوی می‌دانند؛ یعنی صدق احتکار را فقط در موارد خاصی از اطعمه می‌دانند و برخی دیگر از فقها معنای اصطلاحی را اعم از معنای لغوی می‌دانند؛ به این معنا که احتکار را حبس و نگهداری همه‌ی نیازهای عمومی جامعه می‌دانند.

ب) بنا بر نظر اکثر فقها شرط تحقق احتکار در اصطلاح فقهی، نیاز مردم به آن کالا است ولی در معنای لغوی این قید وجود ندارد.

۲- حکم احتکار از نظر فقه‌های امامیه

قبل از بیان اقوال فقهاء پیرامون گستره و موارد احتکار لازم است که نظر ایشان در خصوص حکم فقهی این مسئله بیان شود تا ضرورت بحث از موارد احتکار مشخص شود. بحث در خصوص این موضوع زمانی اهمیت بیشتری



پیدا می کند که با نگاه به نظر فقهاء مشخص می شود که اکثریت ایشان بلکه قول مشهور فقها حکم به حرمت احتکار است.

صاحب مفتاح الکرامه حکم حرمت احتکار را از قول برخی فقها بیان کرده است:

و قد حکم المصنّف بأنّه حرام وفاقاً «للمقنع و الفقیه» فی ظاهره و «الهدایة» للصدوق علی ما نسب إلیها و «الاستبصار و السرائر و التحریر و التذکره و الدروس و جامع المقاصد و المسالک و الروضة» و هو قویّ كما فی «التنقیح و المیسیه» و هو المنقول عن القاضی و الحلبي فی أحد قولیه و «المنتهی» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۱۲: ۳۵۲).

از فقهاء و مراجع معاصر، آیات امام خمینی (۱۴۲۱، ۳: ۶۰۱)، خویی (بی تا، ۵: ۴۹۴؛ ۱۴۱۰، ۲: ۱۳)، سیستانی (۱۴۱۷، ۲: ۲۱)، سید محسن حکیم (۱۴۱۰، ۲: ۱۹)، تبریزی (۱۴۱۶، ۳: ۲۷۵؛ ۱۴۲۶، ۲: ۱۷)، خامنه‌ای (۱۴۲۴، ۳۲۸)، وحید خراسانی (۱۴۲۸، ۳: ۱۹)، صافی گلپایگانی (۱۴۱۷، ۲: ۱۲۱)، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی (۱۴۱۳، ۱: ۳۷۴) و برخی دیگر فی الجملة قائل به حرمت احتکار هستند.

در مقابل برخی از فقها فی الجملة حکم به کراهت احتکار کرده اند. شیخ مفید (۱۴۱۳، ۶۱۶)، شیخ طوسی (۱۳۸۷، ۲: ۱۹۵)، محقق حلی (۱۴۰۸، ۲: ۱۵) و صاحب جواهر (۱۴۰۴، ۲۲: ۴۷۷) از قائلین این نظر می باشند.

۳- مصادیق احتکار

در خصوص اینکه احتکار شامل چه مواردی می شود، اقوال مختلفی بین فقهای امامیه مطرح است که به طور کلی می توان نظرات ایشان را به پنج قسم تقسیم کرد:

۳-۱ پنج مورد

طبق این قول موارد احتکار شامل گندم، جو، خرما، کشمش و روغن می باشد و غیر از این اجناس را شامل نمی شود. شیخ طوسی در نهایت (۱۴۰۰، ۳۷۴)، ابن ادریس حلی (۱۴۱۰، ۲: ۲۳۸) و محقق حلی (۱۴۰۸، ۲: ۱۵) این قول را برگزیده‌اند و حتی شیخ یوسف بحرانی (۱۴۰۵، ۱۸: ۶۲) و صاحب جواهر (۱۴۰۴، ۲۲: ۴۸۱) این قول را نظر مشهور امامیه عنوان کرده‌اند.



مستند ایشان روایت غیاث از امام صادق(ع) است که ایشان می‌فرمایند: «لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ السَّمَنِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷: ۴۲۵) احتکار فقط در پنج مورد محقق می‌شود: گندم، جو، خرما، کشمش و روغن. همچنین روایت ابی‌البختری از امام صادق(ع) که به نقل از پدرشان می‌فرمایند: «أَنَّ عَلِيًّا ع كَانَ يَنْهَى عَنِ الْحُكْرَةِ فِي الْأَمْصَارِ فَقَالَ لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْحِنْطَةِ وَ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷: ۴۲۶).

۳-۲ شش مورد

طبق این قول احتکار در شش مورد محقق می‌شود، یعنی علاوه بر پنج مورد قبلی، قائلین به این قول یک مورد دیگر به آن اضافه می‌کنند. البته در مورد ششم آن که چه طعمی است اختلاف است. برخی مانند شیخ صدوق در «المقنع» می‌فرماید احتکار در شش مورد محقق می‌شود: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و روغن زیتون (۱۴۱۵، ۳۷۲). اما شیخ طوسی در مبسوط (۱۳۸۷، ۲: ۱۹۵)، قطب راوندی (۱۴۰۵، ۲: ۵۲)، علامه حلی (۱۴۱۴، ۱۲: ۱۶۶؛ ۱۴۱۳، ۲: ۱۱؛ ۱۴۱۹، ۲: ۵۱۴) و فاضل مقداد (۱۴۲۵، ۲: ۴۳) ششمین از موارد احتکار را نمک می‌دانند و روغن زیتون را جزء موارد احتکار نمی‌شمارند.

فقیهانی که روغن زیتون را از موارد احتکار شمرده‌اند به روایت سکونی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷: ۴۲۶)^۱ و روایتی که شیخ صدوق به سند خود از غیاث بن ابراهیم نقل نموده (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷: ۴۲۵)^۲ و همچنین مفهوم صحیح حلی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷: ۴۲۸)^۳ استناد کرده‌اند.

۳-۳ هفت مورد

برخی از فقها موضوع احتکار را هفت مورد می‌دانند، یعنی علاوه بر آن پنج مورد که فقهاء بر آن متفق هستند، روغن زیتون و نمک را نیز جزء موارد احتکار شمرده‌اند. شهیدین (شهید اول، ۱۴۱۷، ۳: ۱۸۰؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۱۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۳: ۲۹۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳: ۱۹۲) و محقق ثانی (۱۴۱۴، ۴: ۴۰) این نظر را برگزیده‌اند. البته همانطور که در کتب فقهی نیز به آن اشاره شده شمردن نمک به عنوان یکی از موارد احتکار، مستند روایی ندارد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۲۲: ۴۸۲) و شاید تنها وجهی که برای چرایی آن بتوان گفت تعلیل روایت حلی از امام صادق(ع) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷: ۴۲۴) است که ایشان زمانی حکم به حرمت احتکار داده‌اند که آن طعمی که حبس شده در میان مردم کم باشد و به آن

^۱ عن السُّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْحُكْرَةُ فِي سِتَّةِ أَشْيَاءَ فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ السَّمَنِ وَ الزَّيْبِ.
^۲ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ السَّمَنِ وَ الزَّيْبِ
^۳ عن عبيد الله بن علي الحلبي قال: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ الزَّيْتِ فَقَالَ إِذَا كَانَ عِنْدَ غَيْرِكَ فَلَا بَأْسَ بِأَمْسَاكِهِ.



نیاز داشته باشند (انصاری، ۱۴۱۱، ۲: ۲۹۷). در نتیجه نمک از باب شدت نیاز مردم به آن و به عسر و حرج افتادن ایشان در صورت کمبود آن جزء موارد احتکار شمرده شده است. لکن می‌توان اشکال کرد که به استناد این تعلیل، همه‌ی مواد غذایی که حبس آن موجب عسر و حرج مردم می‌شود از مصادیق احتکار شمرده می‌شود و مختص به نمک نمی‌باشد.

۳-۴ همه‌ی مواد غذایی مورد نیاز

مراد فقها از طعام، خوراکی است که اکثر مردم معمولاً از آن تغذیه می‌کنند و قوت غالب هر مکان با مکانی دیگر ممکن است متفاوت باشد.

سید ابوالحسن اصفهانی (۱۴۲۲، ۳۲۸) و از معاصرین آیت الله بهجت (۱۴۲۳، ۴۲۶) این قول را بعید ندانسته و مانند برنج و ذرت را نیز در صورتی که مورد نیاز مردم باشد جزء موارد احتکار می‌شمرد. شاید بتوان گفت دلیل این سخن همان تعلیلی است که به سبب آن قائلین قول سوم، نمک را نیز جزء موارد احتکار شمردند و اشکال شد که در این صورت باید تمام مواد غذایی مورد نیاز مردم را شامل شود. در واقع این قول، تصحیح و رفع اشکال قول سوم است که به سبب تعلیل روایت، تنها نمک به موارد احتکار اضافه شده بود.

۳-۵ تمام نیازهای عمومی جامعه

همانطور که در بیان اقوال گذشت، مشهور فقهاء احتکار را منحصر در چند نوع مواد غذایی خاص دانستند و یا حداکثر احتکار را شامل همه مواد غذایی مورد نیاز جامعه می‌دانند؛ ولی با این وجود برخی از فقهاء موارد احتکار را محدود به مواد غذایی نمی‌دانند. زیرا ایشان ملاک و معیار تشریح حرمت احتکار را، نجات مردم از تنگناهای اقتصادی به هنگام عسر و حرج می‌دانند. در نتیجه مصادیق جدیدی - با گذشت زمان و تغییر مکان - بر آنچه در روایات ذکر شده اضافه می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۲: ۴۱۸). صاحب جواهر (۱۴۰۴، ۲۲: ۴۸۲) این نظر را به عنوان قولی در مسئله بیان می‌کند. از معاصرین نیز صافی گلپایگانی (۱۴۱۶، ۱: ۲۹۹) این قول را پذیرفته و به آن فتوا داده‌اند و آیات سیستمی (۱۴۱۷، ۲: ۲۱)، خویی (۱۴۱۰، ۲: ۱۳)، تبریزی (۱۴۲۶، ۲: ۱۷) و وحید خراسانی (۱۴۲۸، ۳: ۱۹) این تعمیم را با احتیاط مستحب بیان کرده‌اند. تعیین و تشخیص اینکه چه کالایی احتکارش جایز نیست با توجه به احتیاج مردم و مسائل اقتصادی و اجتماعی و عادات هر کشور بر عهده حاکم عادل است.



نتیجه گیری:

با کنکاش در کتب اعظم فقهای امامیه و همچنین مراجع معاصر، در مجموع نظرات ایشان را می توان در سه نظر بیان کرد. مشهور فقهاء، احتکار را مختص به چند طعام خاص می دانند. گندم، جو، خرما، کشمش و روغن از مواردی می باشد که اختلافی در آن نمی باشد و همه ی فقهاء، این پنج مورد را از موارد احتکار می دانند. اما در خصوص الحاق روغن زیتون و نمک به این موارد اختلاف می باشد. برخی دیگر از فقهاء موضوع احتکار را همه ی مواد غذایی مورد نیاز جامعه می دانند و ذکر چند مورد خاص در روایات را به جهت شدت نیاز مردم در عصر معصومین علیهم السلام به آن اطعمه می دانند. برخی دیگر از فقها به خصوص فقهای معاصر، موضوع احتکار را به همه نیازهای عمومی جامعه تعمیم می دهند. هدف ما در این مقاله بررسی اقوال فقهای امامیه بود، شایسته است محققین و پژوهشگران گرامی نظرات فقهای عامه را نیز بررسی نمایند و با مقایسه ی بین نظرات فقهای شیعه و اهل سنت و بررسی تفصیلی ادله، به قضاوت بین اقوال پردازند.



منابع:

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، النهاية في غريب الحديث و الأثر، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- ابن ادريس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۵، المقنع، چاپ اول، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱، المحکم و المحيط الأعظم، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه
- اصفهانى، سيد ابو الحسن، ۱۴۲۲، وسیله النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی)، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۱، کتاب المکاسب، چاپ اول، قم، منشورات دار الذخائر
- بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۴۰۵، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- بهجت، محمد تقی، وسیله النجاة، ۱۴۲۳، چاپ دوم، قم، انتشارات شفق
- تبریزی، جواد، ۱۴۱۶، إرشاد الطالب إلى التعليق على المکاسب، چاپ سوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- تبریزی، جواد، ۱۴۲۶، منهاج الصالحین، چاپ اول، قم، مجمع الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه)
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، الصحاح، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملايين
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد، ۱۴۱۹، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- حکیم، سید محسن، منهاج الصالحین، ۱۴۱۰، چاپ اول، بیروت، دار التعارف للمطبوعات
- خامنه‌ای، سید علی بن جواد حسینی، ۱۴۲۴، أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، چاپ اول، قم، دفتر معظم له در قم
- خمینی، روح الله، ۱۴۲۱، کتاب البیع، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره
- خویی، ابوالقاسم، بی تا، مصباح الفقاهة (المکاسب)، بی تا
- خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، نشر مدینه العلم
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۹۷۹، أساس البلاغة، چاپ اول، بیروت، دار صادر
- سیستانی، علی، ۱۴۱۷، منهاج الصالحین، چاپ پنجم، قم، دفتر حضرت آیه الله سیستانی
- شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۷، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم



- شهيد اول، محمد بن مكى، ١٤١٠، اللمعة الدمشقية فى فقه الإمامية، چاپ اول، بيروت، دار التراث - الدار الإسلامية الإسلامية
- شهيد ثانى، زين الدين بن على، ١٤١٣، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية
- شهيد ثانى، زين الدين بن على، ١٤١٠، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلانتر)، چاپ اول، قم، كتابفروشى داورى
- صاحب الجواهر، محمد حسن، ١٤٠٤، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بيروت، دار إحياء التراث العربى
- صافى گلپايگانى، لطف الله، ١٤١٧، جامع الأحكام، چاپ چهارم، قم، انتشارات حضرت معصومه سلام الله عليها
- صافى گلپايگانى، لطف الله، ١٤١٦، هداية العباد، چاپ اول، قم، دار القرآن الكريم
- طوسى، محمد بن حسن، ١٤٠٠، النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى، چاپ دوم، بيروت، دار الكتاب العربى
- طوسى، محمد بن حسن، ١٣٨٧، المبسوط فى فقه الإمامية، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران - ايران، سوم
- علامه حلى، حسن بن يوسف، ١٤١٤، تذكرة الفقهاء، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- علامه حلى، حسن بن يوسف، ١٤١٣، قواعد الأحكام فى معرفة الحلال و الحرام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم
- علامه حلى، حسن بن يوسف، ١٤١٩، نهاية الأحكام فى معرفة الأحكام، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، ١٤٢٥، كنز العرفان فى فقه القرآن، چاپ اول، قم، انتشارات مرتضوى
- فيروز آبادى، محمد بن يعقوب، ١٤١٥، القاموس المحيط، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلميه
- قطب راوندى، سعيد بن هبه الله، ١٤٠٥، فقه القرآن، چاپ دوم، قم، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى رحمه الله
- گلپايگانى، محمدرضا، ١٤١٣، هداية العباد، چاپ اول، قم، دار القرآن الكريم
- محقق حلى، جعفر بن حسن، ١٤٠٨، شرائع الإسلام فى مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعيليان
- محقق كركى، على بن حسين، ١٤١٤، جامع المقاصد فى شرح القواعد، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- مفيد، محمد بن محمد، ١٤١٣، المقنعة، چاپ اول، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد رحمه الله عليه
- مكارم شيرازى، ناصر، ١٣٩٠، موسوعة الفقه المقارن، قم، دارالنشر الامام على ابن ابى طالب عليه السلام
- وحيد خراسانى، حسين، ١٤٢٨، منهاج الصالحين، چاپ پنجم، قم، مدرسه امام باقر عليه السلام